

طراحی و شکل‌گیری خانه روستایی به روایت معماران قدیمی

مطالعه موردی: روستاهای شهرستان گرمسار

اکبر زرگر*، محسن سرتیپی پور**، سیدحسن میری***، حامد شیخ طاهری****

1394/02/30

تاریخ دریافت مقاله:

1394/11/18

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

مسکن روستایی که حدود یک سوم از جمعیت کل کشور را در خود جای داده است، دارای ویژگی‌های کالبدی مختلفی است که تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی مختلف و در پاسخ به مجموعه نیازهای زیست‌بوم روستا شکل گرفته است. در شکل‌گیری خانه روستایی دو رکن اصلی معمار و بهره‌بردار نقش اساسی دارند، از این‌رو مشارکت معمار ماهر با اهالی روستا، در شکل‌گیری خانه مطلوب روستایی نقش به‌سزایی دارد. امروزه اغلب خانه‌های روستایی کشور و به‌طور خاص روستاهای منطقه گرمسار با مشکلاتی از قبیل عدم هویت، فقدان آرامش و صمیمیت، عدم تأمین آسایش اقلیمی، ناپایداری زیستی و به‌طور محسوس با کاهش مشارکت ساکنان روستا در طراحی و ساخت خانه‌ها مواجه هستند.

بررسی راهکارهای عملیاتی به‌منظور افزایش بازدهی و مدت بهره‌برداری از ساختمان‌های روستایی و همچنین طراحی خانه روستایی با تأکید بر «مشارکت فعال مردم» در روستاهای این منطقه از مهم‌ترین اهداف پژوهش حاضر است. پژوهش حاضر به ثبت و تحلیل روش‌های رایج در معماری منطقه دشت گرمسار و شناسایی زمینه‌های هویت بخش معماری روستایی منطقه پرداخته و روش تحقیق آن مبتنی بر روش تحقیق کیفی است. برای گردآوری داده‌های کیفی علاوه بر مشاهدات میدانی از روش مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته در میدان مورد مطالعه، یعنی روستاهای دشت گرمسار استفاده شده است. مبنای تحلیل یافته‌ها قیاس تطبیقی بین ویژگی‌ها و الگوهای معماری خانه در گذشته و امروز در روستاهای منطقه گرمسار است تا از طریق مقایسه، ویژگی‌های شاخص معماری روستایی منطقه شناسایی شود. معماری روستایی قدیم منطقه گرمسار واجد شاخص‌ها و معیارهای ارزنده‌ای است که می‌تواند پس از شناسایی و دسته‌بندی از طریق مطالعات میدانی، در ساخت و سازهای جدید مورد بهره‌برداری قرار گیرد. به این ترتیب نه تنها ارتباط بین نسل‌ها در بستر اجتماعی روستا تداوم خواهد یافت بلکه هویت کالبد فضایی آن نیز در انطباق با نیازهای ساکنین روستا که خود مشارکت و نقش مستقیم در مراحل مختلف فرایند طراحی و احداث مساکن روستایی دارند، بازسازی و احیا خواهد شد. این مقوله موجب پیدایش احساس تعلق خاطر، باز زنده‌سازی سبک زندگی روستایی مبتنی بر تولید، کاهش مصرف انرژی و تأمین آسایش اقلیمی با استفاده از تکنیک‌های معماری، افزایش مشارکت ساکنان و در مجموع موجب ارتقای سطح کیفی زندگی در مساکن روستایی نوساز منطقه خواهد بود.

واژگان کلیدی: معماری خانه روستایی، دشت گرمسار، معماران بومی، مشارکت.

* استاد گروه معماری دانشگاه شهید بهشتی تهران.

** استاد گروه ساختمان دانشگاه شهید بهشتی تهران.

*** عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی تهران.

**** دانشجوی دوره دکترای رشته معماری دانشگاه شهید بهشتی تهران. hsheikhtaheri@gmail.com

این مقاله بخشی از رساله دکترای معماری نویسنده مسئول مقاله، تحت عنوان «طراحی خانه روستایی با رویکرد مردم محور» در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی است.

مقدمه

اصولاً خانه روستایی در محیطی استقرار می‌یافت که اهالی آن، بستر زندگی و تولید را در ارتباط تنگاتنگ با محیط پیرامون و طبیعت فراهم می‌کردند و به همین سبب است که بیشتر این خانه‌ها از دو بخش اصلی با کارکرد زیستی و معیشتی، در ارتباطی دائمی و دوسویه برخوردار بوده‌اند. از ارکان اصلی شکل‌دهنده خانه‌های روستایی، «معمار» و «بهره‌بردار» هستند که در واقع بهره‌بردار روستایی هم کاربر طرح و هم سرمایه‌گذار بوده و از گذشته تاکنون، در سطوح مختلف با معمار در ارتباط بوده است.

این پژوهش در جست‌وجوی نحوه طراحی و احداث خانه‌های قدیمی روستایی به سراغ معماران قدیمی روستاهای دشت مرکزی گرمسار رفته است تا با توجه به محدودیت منابع موجود در این زمینه، با تکیه بر تجربیات و محفوظات آن معماران به اطلاعاتی دست یابند که منابع اصیل آن در حال فراموشی است. به استناد شواهد عینی در روستاهای دشت مرکزی گرمسار و همچنین براساس مطالعات انجام شده در تاریخ معماری منطقه، در گذشته معاصر منطقه گرمسار (در حدود سال‌های دهه چهل و در زمان اصلاحات ارضی) و قبل از ورود مصالح و فنون معماری غیر بومی، معماران محلی نمونه‌های شاخصی از معماری روستایی را به وجود آوردند و با وجود محدودیت‌های فراوان، با حداقل امکانات و ابزار و در شرایط دشوار اقتصادی در روستا، شکل‌های ارتقا یافته ساخت و ساز را سبب شدند. این تحقیق در جست و جوی نقش معماران و مردم در روند شکل‌گیری خانه‌های روستایی منطقه در آن دوره، به گفت‌وگو با معمارانی پرداخته است که به دنبال ورود تکنیک‌های جدید به ساخت و ساز در روستا، در فرایندی متفاوت با آنچه طی قرن‌ها

در روستاها وجود داشته است، به ناچار پیشه خود را رها کرده و به شغلی غیر از معماری می‌پردازند. با شروع روند فعلی مداخلات در روستاها و وجود برنامه‌های گسترده و جریان‌هایی مانند «طرح ویژه بهسازی مسکن روستایی» و به دنبال تخصیص منابع مالی دولتی، سرعت تغییرات در مناطق مختلف کشور بسیار بیشتر از برنامه‌های تدوین شده معماری بوده است و این جریان سریع از دیدگاه کارشناسان، توفیق نسبی فقط در مقاوم‌سازی سازه‌ای مسکن روستایی داشته است، اما به ویژگی‌هایی مانند معیشت محوری مسکن روستایی، ظرفیت‌های بومی و امکانات و مصالح محلی، سیما و منظر اصیل و ریشه‌دار روستا، نقش عوامل زیست محیطی، پایداری اقلیمی و امکان تعمیر و نگهداری توسط اهالی، کم توجهی شده است. هر چند در مواردی مطالعات و طرح‌های پیشنهادی در طرح ویژه بهسازی، براساس برخی ویژگی‌های اقلیمی و محیطی بوده اما نهایتاً به دلایلی چون عدم پذیرش مردم و عدم حساسیت برخی مسئولان محلی به این موارد، نتیجه اجرا با مفاهیم معماری متناسب با زیست بوم فاصله داشته است.

«ما می‌توانیم از روش سازندگانی که وابستگی متقابل نوع بشر، ساختمان و محیط فیزیکی را تصدیق کرده‌اند، درس بگیریم» (Helena, 1998). بر این اساس از مهم‌ترین پرسش‌هایی که در فرایند این پژوهش مطرح می‌شود، موارد زیر است:

- چه عواملی سبب شده است تا نقش مردم در شکل دادن به خانه روستایی کاهش یافته یا تغییر کند؟
- عدم توجه به نقش و مشارکت مردم در طراحی خانه‌های روستایی، چه پیامدهایی خواهد داشت؟
- چرا خواسته‌های طراحان و معماران با خواسته‌های روستائیان فاصله زیاد دارد؟

دهد. از این رو دانش‌آموختگان مدارس معماری کشور، به‌عنوان طراحانی موفق در زمینه احیای سنت‌های بومی روستاهای کشور تثبیت نشده‌اند.

خانه‌های قدیم روستاها به‌خصوص در منطقه گرمسار نیز با آخرین تکنولوژی آن زمان ساخته می‌شده و این انتظار که امروز هم با همان تکنیک یا تکنولوژی ساخته شود، مطرح نیست، اما این اقدامات با مشارکت و همراهی ساکنان و با هدایت معماران سنتی بومی صورت می‌گرفت. مسئله از بین رفتن برخی مفاهیم مستتر در معماری خانه روستایی است که فدای منافع اقتصادی و بی‌توجهی به ماهیت روستا می‌شود و به‌نظر می‌رسد پاسخ به روز و مناسب برای آن نداریم. در حالی که معماران سنتی بومی به خوبی شرایط سکونت در منطقه و کیفیت‌های آن را می‌شناختند و در عین تأمین سرپناه، با ایجاد احساس رضایت خاطر ساکنان خود، «مفهوم سکونت» را در ذهن آنان ایجاد می‌کردند، اما امروزه با ساختمان‌ها و شیوه‌ای از زندگی جایگزین شده‌اند که با ماهیت زندگی روستایی سازگاری چندانی ندارد.

مسئله‌ای که اغلب روستاهای کشور و به‌طور خاص روستاهای منطقه گرمسار با آن مواجه هستند، عدم هویت، فقدان آرامش و صمیمیت، عدم تأمین آسایش اقلیمی (بدون استفاده از تأسیسات گرمایش و سرمایش) و از همه مهم‌تر کاهش نقش و مشارکت ساکنان روستا در شکل‌گیری و احداث خانه‌هایی است که آن‌ها تنها کاربران اصلی آن خواهند بود. خانه‌ها بدون آن‌که رنگی از هویت و انگیزشی در حس تعلق خاطر ساکنان خود داشته باشند، ساخته می‌شوند.

از سوی دیگر بناهای کهن همین روستاها، نمادی از پایداری زیستی و الگویی مناسب در ساخت و ساز بومی است که غالباً توسط معماران سنتی فعال در منطقه

- از معماری گذشته روستاها چه درس‌هایی می‌توان گرفت تا در روند شکل‌گیری خانه‌های روستایی در شرایط کنونی، مداخله صحیح‌تری صورت گیرد؟

- چگونه می‌توان از طریق احیای معماری سنتی روستاهای منطقه گرمسار، علاوه بر پاسخگویی به نیازهای زندگی معاصر ساکنان روستا، به احیای سنت‌های بومی و فرهنگی این منطقه نیز مبادرت ورزید؟

بیان مسئله

به‌طور کلی زندگی روستایی، نوعی از زندگی همراه با تولید و مبتنی بر ساختارهای بومی است که ساکنان آن اغلب نیازهای خود را در محدوده روستا تأمین می‌کنند. یکی از مهم‌ترین این نیازها، نیاز به سرپناه و مکانی برای سکونت است. بناهای روستایی، به‌خصوص در گذشته نمادی از هویت و بیانگر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نیز معرف شرایط اقلیمی منطقه بوده است. اما در روزگار معاصر یکپارچگی تکنیک‌های ساخت و ساز، تشابه مصالح مورد استفاده و شرایط عمومی زیست در روستاها دچار تحولاتی جدی شده است، به‌نحوی که دیگر خانه‌های روستایی امروزی متناسب با شرایط بستر اقلیمی و زیستی و سبک زندگی روستایی نیست. به تعبیری در حال حاضر با تغییر مفهوم «روستایی» در دو دهه گذشته و برخی تفاوت‌ها در فهم مجدد از آن و عدم توجه به مطالبات جدید جامعه روستایی روبرو هستیم (لویز و همکاران، 1991؛ گاریدو و همکاران، 2002؛ هوگارت و پانیاگو، 2001).

همچنین رشد فناوری و گسترش آموزش‌های دانشگاهی به‌خصوص در زمینه معماری، نتوانسته است عناصر هویتی بومی عمران و آبادانی مناطق را تداوم بخشیده و آن‌ها را به نسل‌های جدید، در چارچوبی که تأمین‌کننده نیازهای زیستی جامعه امروز باشد انتقال

احداث شده‌اند. شرایط به وجود آمده در عمران و آبادانی معاصر روستاها در انطباق با برنامه‌های تعیین شده از سوی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، آینده این زیستگاه‌ها را به جهتی سوق می‌دهد که عدم مشارکت ساکنان روستاها در طراحی و احداث سکونتگاه خود، انزوای معماران سنتی، عدم انتقال دانش‌های بومی به نسل‌های جوان، از بین رفتن شاخص‌های هویتی و منطبق بر فرهنگ منطقه، فراموشی روش‌های رایج در ساخت و ساز محدوده و عدم پایداری شرایط زیستی و بالاخره مهاجرت روزافزون ساکنان روستا از نتایج آن است. حال آنکه بناهای باقیمانده از معماری سنتی و اصیل منطقه می‌تواند الگویی مناسب در طراحی و احداث ساختمان‌های نوساز روستا تلقی شده و از طریق استخراج شاخص‌ها و شناسایی ویژگی‌های معماری ساختمان‌های کهن منطقه، به محرکی در مسیر بازآفرینی فرهنگ اصیل سکونتگاه‌های روستایی منطقه گرمسار، در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی تبدیل شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

توجه به مسئله مسکن روستایی زمانی اهمیت بیشتری خواهد یافت که آن‌را با گذشته نه چندان دور روستاها که پس از اصلاحات ارضی در دهه 1340 خورشیدی دچار تحولات اساسی شدند، به لحاظ آرامش، آسایش اقلیمی، صمیمیت، هویت و اصالت، مفهوم سکونت (در مقابل مفهوم سرپناه)، پایداری زیستی، میزان مصرف انرژی، زندگی همراه و همساز با تولید، بازدهی و راندمان مناسب و موارد دیگری از این قبیل، مورد مقایسه قرار دهیم. مقایسه کلی در زمینه‌های مطرح شده، به خصوص در روستاهای منطقه دشت گرمسار نشان از افت کیفی زندگی روستایی در سال‌های اخیر و

عدم تمایز قابل توجه آن با نوع معماری و زندگی در شهرها دارد، حال آن‌که انتظار می‌رود با وجود تدوین برنامه‌های جامع اجرایی در قالب طرح‌های هادی روستایی و ... با بهره‌گیری از تخصص و طراحی معماران در این روستاها، زندگی به درجات بالاتری از کیفیت، در عین حفظ هویت زندگی روستایی دست یابد. اما به نظر می‌رسد با توجه به عدم تحقق این انتظار، نیاز به تدوین رویکردی تازه با الهام از معماری گذشته روستاها در انطباق با نیازهای زندگی امروز وجود دارد.

به علاوه مواردی از قبیل صرف هزینه‌های زیاد در بخش مسکن روستایی، دگرگونی کالبدی روستاهای کشور در مدت زمان نه چندان طولانی، عدم رضایت کافی مسئولین، کارشناسان و مردم از روند کنونی تولید مسکن در روستاها، عدم اشراف مناسب طراحان به نیازها و خواسته‌های روستائیان نسبت به واحدهای مسکونی خود، همچنین عدم آشنایی کاربر یا ساکنان روستایی به فرایند و روند قانونی طراحی و ساخت خانه‌های مسکونی با توجه به الگوهای حاکم تدوین شده از سوی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و موارد دیگری از این دست، ضرورت پرداختن به مقوله معماری مسکن روستایی را دو چندان کرده است.

اهداف تحقیق

این پژوهش با تأکید بر ساختمان‌های روستایی منطقه دشت گرمسار، به مقایسه ساختمان‌های جدید الاحداث در این منطقه با معدود بناهای باقیمانده از گذشته، که نمادی از پایداری و همسازی با طبیعت بوده و در عین حال آسایش ساکنان خود را تأمین کرده‌اند، می‌پردازد و به‌طور مشخص، اهداف زیر را در این پژوهش جستجو می‌نماید:

- بررسی راهکارهای عملیاتی در راستای افزایش بازدهی خانه و طول عمر بهره‌برداری از ساختمان‌ها

است که اطلاعات خود را با ارجاع به عقاید، ارزش‌ها و رفتارها در بستر اجتماعی دست نخورده به دست می‌آورد. (محمدپور، 1389: 93) از جمله رویکردهای مورد استفاده در این پژوهش، شیوه تحقیق در حین عمل (Action research) است. این رویکرد به عنوان یکی از رویکردهای مشارکتی، ضرورت فرایند یادگیری از طریق تجربه را در حین عمل، به منظور توسعه ظرفیت‌های محلی برای همکاری و برنامه ریزی برجسته می‌سازد. (گرکانی، 1392: 66)

به طور کلی در مطالعاتی که زمینه‌های اجتماعی در آن‌ها وجود داشته و نظرات مردم مطرح می‌شود، برای گردآوری داده‌های کیفی، از انواع تکنیک مصاحبه‌های نیمه ساخت یافته، ژرف و یا گروهی استفاده می‌شود. مصاحبه مورد نظر در این پژوهش، از نوع مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته در میدان مورد مطالعه، یعنی روستاهای گرمسار (به عنوان نمونه مورد مطالعه) است. در طی مصاحبه‌ها سئوالاتی با محورهای مشخص پرسیده شده است و با توجه به پاسخ‌های پاسخگو (معماران قدیمی فعال در منطقه)، پژوهشگر آن‌ها را در راستای محور مطالعاتی و مفاهیم مورد نظر متمرکز و عمیق کرده است.² بر این اساس در این پژوهش سعی شده است تا اطلاعات از طریق مصاحبه‌های عمیق در کنار مصاحبه شوندگان، جمع آوری شود. چرا که به دنبال آن هستیم که نه از طریق پرسشنامه، بلکه از طریق گفت‌وگو به جهان ذهنی معماران کهنسال مخاطب این پژوهش، در راستای اهداف طرح شده دست یابیم.

ساختار نمونه‌گیری برای انجام مصاحبه‌ها در این پژوهش به صورت غیر احتمالی است و مشخصاً پس از انجام بررسی‌های نسبتاً دشوار، معدود معماران باقی مانده از نسل گذشته معماران روستایی گرمسار شناسایی

به لحاظ کارکردی، زیباشناسی و همچنین تأمین آسایش، آرامش و رضایت‌مندی ساکنان آن‌ها،

- ثبت و نگهداری روش‌های رایج در معماری منطقه از طریق مصاحبه و گفت‌وگو با معدود معماران کهنسال ساکن در روستا که برخی شیوه‌های معماری و ساخت و ساز رو به فراموشی را در ذهن خود دارند و در حقیقت زنجیره ارتباط بین معماری نسل معاصر و گذشتگان، در اندیشه آنان نهفته است.¹

- احیای برخی ابعاد و زمینه‌های هویت‌بخش زندگی روستایی با استفاده از باز زنده‌سازی شیوه‌های معماری و ساخت‌وساز در روستاهای بومی منطقه دشت گرمسار، به عنوان اهرمی در راستای بازسازی ساختارهای فرهنگی منطقه،

- معرفی راهکارهای ایجاد خانه‌ای مناسب برای زندگی با تأکید بر «مفهوم سکونت» و نه تنها سرپناه، متناسب با نیازها و خواسته‌های روستائیان،

- طراحی خانه روستایی با تأکید بر «مشارکت فعال مردم» ساکن در روستا، در تمام مراحل شکل‌گیری خانه از طراحی تا احداث و بهره‌برداری.

اهداف مزبور مبین شیوه مطالعات و رویکرد عمومی پژوهش در بررسی مسائل هستند به عبارت دیگر هرگونه شناسایی و تحلیل ساختار معماری ابنیه موجود در این روستاها، معطوف به تحقق اهداف فوق است.

روش پژوهش

ساختار پژوهش حاضر مبتنی بر روش تحقیق کیفی است. تحقیق کیفی عموماً به تحقیقاتی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرایندهای آماری و با مقاصد کمی‌سازی به دست نیامده باشد. داده‌های این نوع تحقیق از طریق مشاهده، مصاحبه یا تعامل‌های شفاهی گردآوری شده و متمرکز بر معانی و تفسیرهای مشارکت‌کنندگان در آن است. این نوع تحقیق، تحقیقی

شده و مورد مصاحبه عمیق قرار گرفته‌اند. همچنین در بخش تحلیل یافته‌ها، از قیاس تطبیقی بین ویژگی‌ها و الگوهای معماری گذشته و امروز روستاهای گرمسار استفاده شده است تا از طریق مقایسه بر ویژگی‌ها و وجوه شاخص معماری روستایی منطقه تأکید شود.

اسامی معماران منطقه که پس از جستجوی فراوان امکان مصاحبه با ایشان فراهم گردید، عبارتند از:

- 1- معمار عظیمی (قدرت ...)، 1313، آرادان
- 2- اوستا جعفر (مبارکی)، 1319، کهن‌آباد
- 3- اوستا سیدحسن (موسوی)، 1315، ریکان
- 4- اوستا رمضانعلی (شهره)، 1314، کندقلی‌خان
- 5- معمار اعرابی (عبدالحسین)، 1311، هشت‌آباد
- 6- اوستا علی (فلاح)، 1318، رشمه
- 7- اوستا جعفر (شفاهی)، 1312، گرمسار
- 8- معمار حقگو (محمدعلی)، 1320، آرادان
- 9- آق علی بنا (قندالی)، 1312، فروان
- 10- حاج نعمت عامری، 1320، کهن‌آباد
- 11- اوستا حیدر (فرحی)، 1310، گرمسار

روستاهای منطقه دشت گرمسار

پیش از ورود به بخش مبانی نظری، معرفی اجمالی از محدوده مورد مطالعه، یعنی مناطق روستایی شهرستان گرمسار ارائه می‌شود. گرمسار از شهرهای غربی استان سمنان و در فاصله حدود 100 کیلومتری شرق تهران در کنار جاده تهران- سمنان، در ارتفاع متوسط 850 متر از سطح دریا قرار گرفته است.

شهرستان گرمسار به دلیل همجواری با کویر مرکزی ایران و همچنین دامنه‌های جنوبی البرز، دارای تنوع آب و هوایی زیادی است و با کاهش ارتفاع از شمال به سمت جنوب شهرستان، میزان دما افزایش و بارش‌ها کاهش می‌یابد. روستاهای مورد بررسی در این پژوهش

دارای اقلیم گرم و خشک بوده و بیشتر در نواحی جنوبی شهرستان واقع شده‌اند.

گرمسار به عنوان یکی از پنج شهرستان تابعه استان سمنان، دارای سه بخش ایوانکی، مرکزی و آرادان است. مطابق سرشماری مرکز آمار ایران در سال 1390 «شهرستان گرمسار» در مجموع دارای حدود 81 هزار نفر جمعیت است که 70 درصد آن‌ها در نقاط شهری و 30 درصد دیگر ساکن زیستگاه‌های روستایی هستند. از مجموع 342 آبادی شهرستان گرمسار تعداد 200 آبادی خالی از سکنه و 142 آبادی دارای سکنه هستند. یعنی در نیم قرن اخیر (پس از اصلاحات ارضی) تنها در 42 درصد از روستاها ساکنانی باقی مانده‌اند و در سایر آبادی‌ها، مهاجرت موجب تخلیه روستا شده است.

به طور کلی روستاها پس از اصلاحات ارضی تحت تأثیر پیامدهای ناشی از آن، به شهر وابسته شدند، الگوی گسترش و «معماری شهری» را پذیرفتند و خزشی تدریجی از موقعیت پیشین به سمت جاده (به مثابه شریان دسترسی و بهره‌مندی از خدمات شهر) در آن‌ها آغاز شد (حجت، 1385: 75).

با در نظر گرفتن ویژگی‌های مشترک اقلیمی و روش‌های ساخت و معماری ابنیه در دشت مرکزی گرمسار، محدوده پژوهش، روستاهای واقع در حاشیه دشت و در حد فاصل شهر گرمسار و آرادان در نظر گرفته شده است لذا این پژوهش روستاهای واقع در محدوده ایوانکی و مناطق کوهپایه‌ای و کوهستانی شهرستان گرمسار را شامل نمی‌شود. تشابه اقلیمی در مناطق یاد شده مهم‌ترین دلیل انتخاب آن برای بررسی‌های میدانی است. زیرا اصولاً سرپناه، فضایی کالبدی است که انسان برای حفاظت خود در برابر شرایط آب و هوایی به ساخت آن روی می‌آورد؛

به همین سبب شرایط اقلیمی نقش تعیین کننده‌ای در شکل کلی آن دارد (سرتیپی پور، 1388: 32).

چارچوب و مبانی نظری پژوهش

سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض است. این پیوند از تلاش برای یافتن، یعنی به مکانی احساس تعلق داشتن ناشی شده است. بدین ترتیب انسان زمانی بر خود وقوف می یابد که مسکن گزیده و در نتیجه هستی خود در جهان را تثبیت کرده باشد (شولتز، 1387: 17).

از سوی دیگر برپایی خانه، در حقیقت تجسم عینی ذهنیتی است که از خانه در ذهن روستایی شکل گرفته است. (علی الحسینی، 1387: 70) بنابراین رسالت سنگین معماران در روند شکل گیری خانه روستایی قابل انکار نخواهد بود. طراحی خانه روستایی مسیری را طی می کند که سرآغاز آن ذهنیت معمار از موضوع طرح است و عمدتاً براساس دانش معماری، عوامل مؤثر محیطی و خواسته های بهره بردار شکل می گیرد. مضاف بر اینکه مسکن در روستاها علاوه بر پاسخگویی به نیاز سکونت و تأمین امنیت و حریم خانوار، حلقه ای از نظام تولیدی روستا را نیز در بر می گیرد و به گونه ای متقابل با آن پیوند می خورد (سرتیپی پور، 1384: 46).

اما به طور کلی معماری دیروز ایران، ارزشمند بود و سربلند؛ خاک را شرافت می بخشید و انسان را کرامت. «کارایی»، «پایایی» و «زیبایی» را پشت سر گذاشته بود و به «والایی» می اندیشید. (حجت، 1382: 64) به همین دلیل است که هرگونه برنامه ریزی در خصوص ساخت مسکن، می باید در بستر «سنت» های ویژه روستاها و منطق حاکم بر آن شکل بگیرد و اتخاذ رویکرد نسبت به شیوه ساخت مسکن روستایی باید بر حفظ تداوم ساخت و ساز بومی، تأکید بر خواسته ها و نیازهای

ساکنین و تعریف حدود مسئولیت ساکنین در ساخت و ساز متمرکز شود.

معماری خانه های روستایی منطقه دشت گرمسار به روایت معماران سنتی

با توجه به اینکه در شکل گیری خانه های روستایی نقش مردم قابل انکار نیست و در تمام مراحل، حضور صاحبخانه را می توان مشاهده کرد، از طریق مصاحبه با معماران آن دوره، تصویری جست و جو شده است که این نقش را هر چه بیشتر روشن کند و ضرورت توجه به آن را نشان دهد.³

پس از انجام مصاحبه و پیاده سازی نظرات و دسته بندی پاسخ ها، وجوه مختلفی از معماری به روش سنتی به دست آمد و معماران از برنامه ریزی تا مراحل ذهنی طراحی و عینی شدن طرح و رسیدن به شکل نهایی کالبد خانه را شرح دادند. نکات مشترک معماران در فرایند طراحی عبارت از مراحل زیر است:

الف) سفارش کار

نحوه سفارش کار به معماران، از طریق پرس و جو کردن در روستا یا روستاهای هم جوار و دیدن نمونه کارهای ساخته شده، صورت می گرفته است. بعد از شناسایی معمار توسط بهره بردار و قرار گرفتن در نوبت کار، نحوه بیان درخواست، اهمیت داشت و این که بهره بردار در خصوص خانه جدید چه خواسته هایی را مطرح می کرد و کدام موارد با اهمیت تر یا در الویت بود، با معمار منتخب مطرح می شد. در حقیقت مالک برای یافتن معمار مورد نظر خود اقدام به الگوبرداری از بناهای موجود می کرد. چنانچه الکساندر می گوید: «یک الگو، تشریح کننده مسئله ای است که بارها و بارها در محیط اتفاق می افتد و سپس راه حلی را ارائه می کند که می توان از آن بارها استفاده کرد، بدون اینکه تکراری باشد» (Alexander, 1977: 32).

در معماری روستایی، میزان همراهی بالای مالک و معمار امری شایان توجه است. در طراحی معماری به شیوه سنتی، طراح و بهره‌بردار به حدی دارای سنخیت بودند که گاهی فرد واحد فرض می‌شدند. این موضوع به دلیل پایگاه اجتماعی معمار و میزان سنخیت و هم‌فکری وی با بهره‌بردار، عاملی در جهت خلق معماری‌های در خور، خاطره‌انگیز و به یادماندنی بود (یوسف‌زمانی، 1389: 110).

روستائیان عمدتاً درخواست‌های خود را به صورت کلی بیان می‌کردند و بنابر توان مالی و بعد خانوار، مهم‌ترین خواسته آن‌ها، تعداد اتاق بود.

ب) تصورات روستائیان از خانه

در جست‌وجوی تصورات روستائیان از یک زندگی مناسب‌تر در خانه آینده، با دو نوع تصور مواجه می‌شویم. یکی تصورات اولیه که در بدو ملاقات صاحبخانه با معمار وجود داشته است و به سابقه ذهنی او از خانه بر می‌گردد و دیگر آن‌که برای بیان درخواست خود از عواملی کمک می‌گیرد که به شکل‌گیری تصورات جدید و انتظارات بهره‌بردار از خانه مطلوب منجر می‌شود. در اغلب موارد با این موضوع مواجه می‌شویم که صاحبخانه اختیار طراحی خانه را به معمار واگذار می‌کرد، زیرا از آنچه در روند شکل‌گیری خانه واقع می‌شد، تصور روشنی نداشت ولی به واسطه دیدن نمونه‌های رایج و با استفاده از ابزار ذهنی «تشبیه» انتظارات خود را از خانه آینده، برای معمار بیان می‌کرد.

روستائیان در خصوص طراحی کردن خانه روستایی، نظر خاصی نداشتند و بیشتر براساس عینیت موجود معماری، انتظارات خود را از طرح یک خانه، بیان می‌کردند. آن‌چنان‌که حسن فتحی می‌گوید: «هالی گورنا نمی‌توانستند به ما بگویند که چه نیازهایی دارند و به طور طبیعی یارای آن‌را نداشتند که از سبک یا زیبایی

خانه‌ها صحبت کنند. روستایی هرگز از هنر سخن نمی‌گوید، او هنر را می‌آفریند» (فتحی، 1372: 53).

ج) طرح و نقشه

از نظر دانش‌آموخته‌های امروز معماری، اساس کار و سرآغاز معماری، با طرح و نقشه‌های مربوط به آن شکل می‌گیرد. اما در فرایند معماری بومی، طراحی پیوندی نزدیک با ساخت دارد. امروزه تقسیم کار بین آن‌ها که طراحی می‌کنند و آن‌ها که می‌سازند اساس جامعه فن‌مدار ما شده است، همچنین جدا افتادگی روز افزون طراحان از کسانی که برای آن‌ها طراحی می‌کنند نیاز به تفحص در خواسته‌های استفاده کننده را پدید آورده است (لاوسون، 1384: 25).

به گفته چند تن از معماران مخاطب مصاحبه «درخصوص خانه‌های رایج در روستا، هیچ نقشه‌ای وجود نداشت و عمدتاً طرح‌ها و ترکیب‌های ساده‌ای داشتند. اما خانه‌های اعیانی و اربابی و خانه‌هایی که ریزه کاری داشتند، از روی نقشه اجرا می‌شدند».

با وجود این، طرح‌هایی که به صورت فراگیر مطرح و رایج می‌شد، سرمشق داشتند اما قابلیت این را پیدا کرده بودند که به ذهن معماران سپرده شود و روستا به روستا، پیاده سازی و اجرا شوند.

د) شروع کار و استقرار خانه در زمین

یکی از مهم‌ترین مراحل طراحی خانه‌های روستایی، برنامه‌ریزی زمین و محل استقرار خانه بوده است. در این مرحله همراهی صاحبخانه با معمار و مشورت آن‌ها، در خصوص محل قرار گرفتن خانه و ملزومات آن و بخش‌های مختلف مثل باغچه، ورودی، آب انبار و حوض، بیشتر از مراحل دیگر بوده است.

ه) نقش بهره‌بردار در زمان طراحی خانه

کارفرما فقط منبع برنامه پروژه نیست بلکه وی شریک خلاق فرایند کار است. در حقیقت رابطه میان کارفرما و

شکل‌دهنده در طرح و ساخت آن‌ها پرداخته شده است.

سازمان فضایی

با توجه به نوع زندگی مردم در روستا و نحوه اشتغال و فعالیت آن‌ها در خانه و خارج از آن در فصول مختلف، در مسکن روستایی، انعطاف و شکل‌پذیری وجود داشته است. هم‌چنین به دلیل نوع زندگی خانوادگی به صورت گسترده و بعد خانوار، امکان توسعه بنای خانه نیز وجود داشته است. اتاق‌هایی که در طول شبانه‌روز بیشتر استفاده می‌شدند، عمدتاً دسترسی اصلی و دسترسی به اتاق‌های پیرامونی داشتند و کوران هوا در آن‌ها بیشتر بود. در برخی موارد نیز اتاقی که رفت‌وآمد کمتری داشت، تمیزتر نگهداری می‌شد تا برای میهمانان مورد استفاده قرار گیرد.

در زمستان هم به منظور صرفه‌جویی در مصرف سوخت، یکی از اتاق‌ها که محصوریت بیشتری داشته و در برابر تبادل کمتر هوای خارج و تابش بیشتر و مستقیم در روز قرار داشت، به عنوان اتاق کرسی در نظر می‌گرفتند. یکی از معماران مورد مصاحبه در توصیف شکل مسکن روستایی گرمسار گفته است:

«بعد اتاق‌ها معمولاً به یک اندازه بود. برای بافت فرش یا گلیم، از حیاط و روی زمین استفاده می‌کردند. اتاقی که در وسط و محل ورودی اصلی با دسترسی به اتاق‌های پیرامونی قرار داشت اگر عرض آن حدود 3 متر بود، معروف به تالار یا سالن بود و اگر راهرویی با عرض حدود 2 متر بود به آن دالان می‌گفتند. سالن در خانه روستایی، به خصوص در فصول کمتر سرد سال، بیشترین استفاده را داشت و عمدتاً دارای تهویه مناسب‌تری هم بود». در تصاویر شماره 1 تا 6 نمونه‌هایی از خانه‌های قدیمی دشت گرمسار در روستاهای مختلف مورد مطالعه انتخاب و پلان، پرسپکتیو، نما و مقطعی از آن‌ها ترسیم شده است.

طراح، خود بخش پراهمیتی از فرایند طراحی را تشکیل می‌دهد (لاسون، 1384: 99).

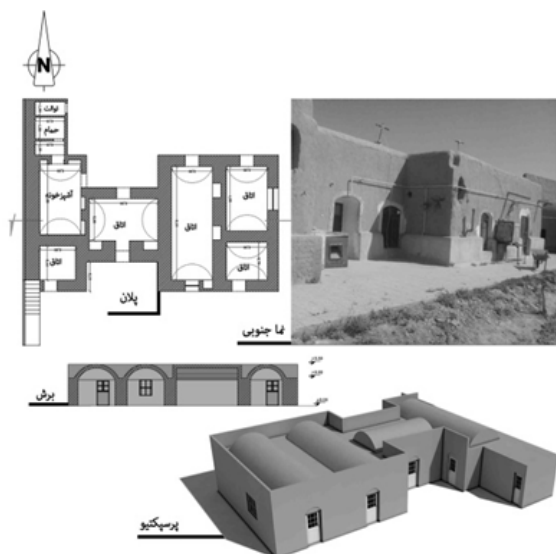
در خصوص مشارکت در جزئیات طراحی، اظهار نظرهایی مانند تعبیه تاقچه‌ها به تعداد مورد نیاز، محل انبار مواد غذایی خانوار، تعداد اتاق‌ها، محل مطبخ، محل استقرار رختخواب، بازشوها و... از سوی کارفرما صورت می‌گرفته است.

بررسی ویژگی‌های مسکن بومی در روستاهای دشت گرمسار

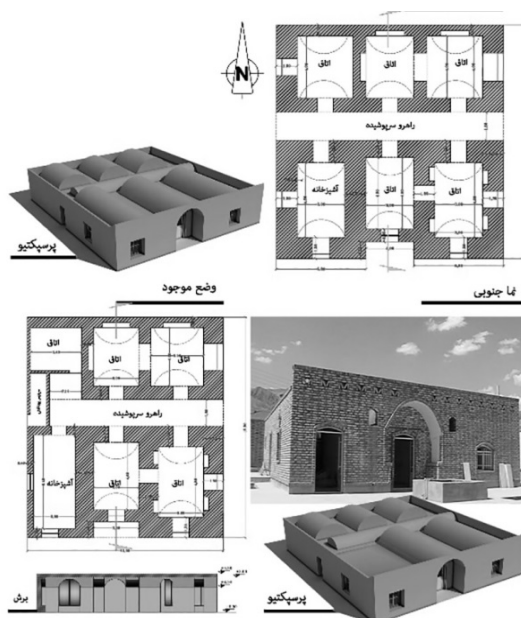
براساس مشاهدات صورت گرفته، همانند بسیاری از روستاهای کشور در بافت قدیمی روستاهای منطقه نیز استفاده حداکثری از مصالح موجود در محل رایج بوده است.

سهولت دسترسی، ارزان یا مجانی بودن مصالح و ویژگی‌های کارکردی آن در زمان ساخت و بهره‌برداری سبب شده است که گل و خشت مهم‌ترین مصالح شکل‌دهنده بافت‌های روستایی منطقه در گذشته باشد. در شیوه اجرا نیز استفاده از جرزهای قطور و تاق‌های ضربی بیشترین کاربرد را در طرح و ساخت خانه‌ها داشتند.

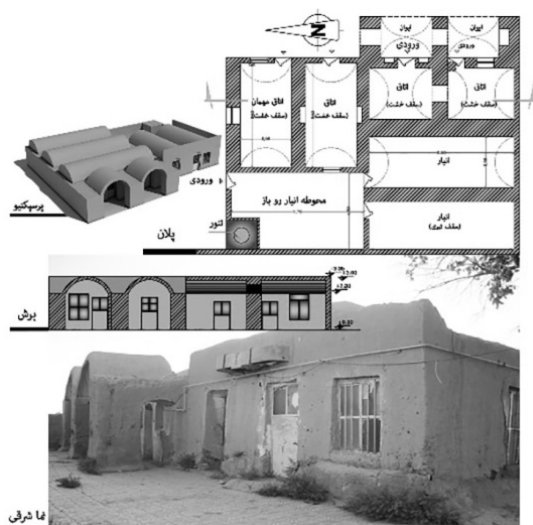
درخصوص تعداد اتاق‌ها، توان مالی و اجرایی مؤثر بود. در چیدمان اتاق‌ها عمدتاً به صورت ردیفی یا ترکیبی از چند ردیف در دو سمت یک دالان کشیده، عمل می‌شد. اتاق‌های میانی به عنوان دالان یا سالن اصلی با دسترسی به اتاق‌های هم‌جوار در نظر گرفته می‌شد. مساحت تقریبی هر اتاق بین 12 تا 15 مترمربع با عرض کمی بیش از 3 متر بود. عوامل محیطی بسیاری در روند شکل‌گیری خانه‌های روستایی تأثیرگذار بودند که در ادامه این بخش با توضیحات معماران سنتی شاغل در همان روستاها به ویژگی‌هایی از خانه‌های روستایی و عوامل



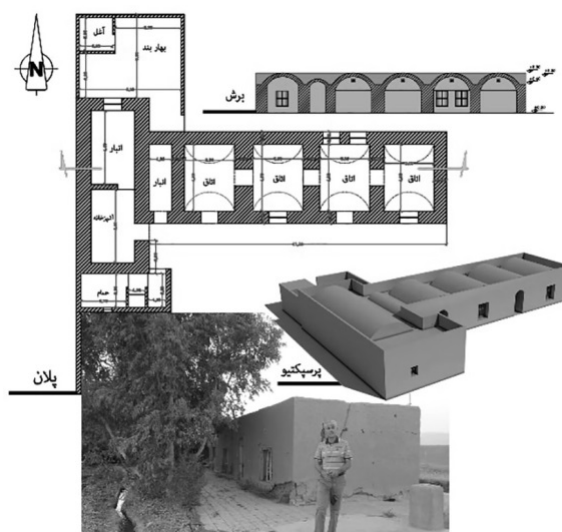
ت 3. نمونه خانه در روستای ریکان. ترسیم: نگارندگان.



ت 1. نمونه خانه در روستای جلیل آباد. ترسیم: نگارندگان.



ت 4. نمونه خانه در روستای لجران. ترسیم: نگارندگان.



ت 2. نمونه خانه در روستای سرآسیاب. ترسیم: نگارندگان.

قرارگیری کرسی بود. ضمناً مردم اعتقاد داشتند اگر در خانه‌ای آفتاب نیافتد، آن مکان مریض و اگر آفتاب‌گیر باشد، سالم خواهد بود».

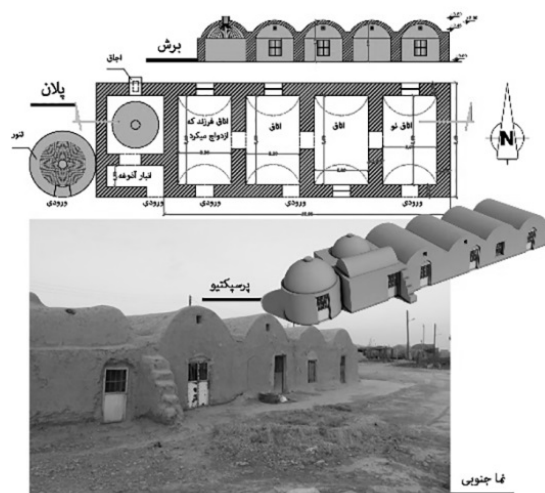
اندازه اتاق‌ها

استفاده از «تناسبات انسانی» و حداقل ابعاد و اندازه کاربردی بنا، عامل مهمی برای کاهش هزینه‌های اقتصادی است. همواره قناعت و استفاده بهینه از امکانات موجود، یکی از ارزش‌های زندگی سنتی و معماری روستایی ایران بوده است (زرگر، 1393: 49).

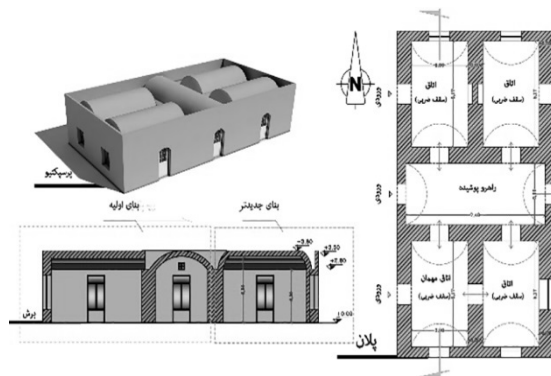
در ساختمان‌های روستایی قدیم گرمسار، اغلب اندازه اتاق‌ها سه در چهار یا سه در پنج بوده است. با توجه به استفاده از تاق‌های ضربی با مصالح خشت و گل، دهانه‌های 3 تا 3/5 متری در نظر گرفته می‌شد، اما طول اتاق‌ها تا حدود 7 متر و گاهی سالن‌ها و دالان‌ها با طول بیشتر نیز اجرا می‌شدند. طول اتاق‌ها بستگی به نظر صاحبخانه داشت و محدودیتی در اجرای آن وجود نداشته است. تصویر شماره 7 یکی از معماران قدیمی منطقه را نشان می‌دهد که نحوه معماری و ساخت بنا را پس از سالیان دراز، برای بهره‌بردار قدیمی روایت می‌کند.



ت 7. معمار (اوستاجعفر شرفاهی، سمت چپ تصویر)، در روستای سرآسیاب کردوان با حضور بهره‌بردار (غلام بیابانکی) از نسل گذشته، روند شکل‌گیری خانه را تشریح می‌کند.



ت 5. نمونه خانه در روستای سرآسیاب. ترسیم: نگارندگان.



ت 6. نمونه خانه در روستای ریکان. ترسیم: نگارندگان.

جهت‌گیری خانه در طراحی معماری

جهت قرارگیری اتاق‌ها به‌منظور استفاده بهینه از انرژی تابشی به‌خصوص در فصول سرد و بهره‌گیری از سایه و کوران هوا در فصول گرم، یکی از مهم‌ترین مراحل تصمیم‌گیری در طراحی خانه‌های روستایی بوده است. عمده‌تاً جهت اتاق‌ها رو به جنوب و پنجره‌ها رو به آفتاب قرار می‌گرفتند. یکی از معماران در مصاحبه خود می‌گوید: «خانه‌ها در روستا رو به جنوب (قبله) ساخته می‌شدند تا آفتاب به داخل اتاق بتابد. در این خصوص اولویت با اتاقی بود که در زمستان محل

فرم کالبدی

در خصوص فرم کالبدی مساکن، صاحبخانه معمولاً نظر خاصی نداشته است و معمار براساس امکانات موجود، نیازها و شرایط کارفرما و بیشتر با هنر و توان خودش، خانه را شکل می‌داد. مردم یک روستا اگر شکل خاصی را در یک خانه می‌دیدند، همان را می‌خواستند تا معمار انجام دهد و در واقع نوعی از رقابت میان آن‌ها وجود داشته است. دو تن از معماران مورد مصاحبه می‌گویند: «در روستاهای گرمسار قبل از رواج ساختمان‌های تاق ضربی (تصویر شماره 8)، مردم در ساختمان‌هایی زندگی می‌کردند که به لحاظ شکل و کیفیت، مشابه ساختمان دامداری‌هایشان بود. لذا به شکل و اندازه خانه و جزئیات آن اعم از در و پنجره اهمیت زیادی نمی‌دادند. اما هر جا که ساختمان‌های خشتی جدید ساخته می‌شد، مردم به یکدیگر می‌گفتند و یکی یکی می‌ساختند تا در روستاها انواع ساختمان خشتی با سقف‌های تاقی زیاد شد»، به علاوه «برخی از شکل ساختمان‌هایی که توسط افراد سرشناس در روستا ساخته می‌شد یا آن‌هایی که در شهرها وجود داشت، مورد نظر مردم قرار می‌گرفت، شکل کار را می‌دیدند و بعد برای انجام کار سراغ معمار می‌رفتند».



ت 8. نمونه‌ای از بناهای تاق ضربی روستاهای منطقه.

ساخت‌وسازهای جدید مسکن روستایی در منطقه دشت گرمسار

در ساخت و سازهای امروزی روستاهای منطقه دشت گرمسار، در فرایندی همسان با سایر روستاهای کشور، ساکنان روستا برای ساخت مسکن، ابتدا درخواست خود را به دهیاری ارائه می‌دهند. سپس به منظور کنترل محل استقرار خانه در زمین و دریافت میزان سطح اشغال و سایر ضوابط طرح هادی روستا، به بنیاد مسکن مراجعه می‌کنند. پس از آن برای تهیه طرح و نقشه مسکن مورد نظر خود، به یکی از دفترهای طراحی زیر مجموعه بنیاد مسکن مراجعه کرده و پس از تکمیل کلیه نقشه‌های معماری و سازه، با معرفی ناظر و تأیید بنیاد مسکن، جواز مربوطه صادر می‌شود.

روستائیان در صورت تمایل به استفاده از تسهیلات بانکی در این مرحله به بانک معرفی می‌شوند و براساس پیشرفت عملیات ساختمانی و با تأیید ناظر و کارشناس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، به صورت مرحله‌ای وام مزبور را دریافت می‌کنند. گفتنی است برخی از روستائیان از وام مسکن روستایی به عنوان «دامی» یاد می‌کنند که در آن گرفتار شده‌اند. این موضوع ناشی از درآمد بسیار پایین آن‌ها و هزینه بالای زندگی است (اردهای، 1391: 77).

همانطور که تصویر شماره 9 نشان می‌دهد در خصوص طرح و نقشه خانه‌های امروزی و جزئیات اجرایی آن نیز می‌توان گفت طرح‌ها تفاوت بارزی با ساختمان‌های شهری نداشته و ساختمان‌هایی همسان با شهرها، با استفاده از مصالح وارداتی و شیوه‌های غیر بومی طراحی و احداث می‌شوند.

با وجود ضرورت انکارناپذیر توجه به ویژگی‌های زندگی روستایی و نظر به نیاز ساکنان روستا در زمینه ایجاد فضاهای معیشتی (یا حداقل فضاهای

(د) پایان تاق زنی: تعبیه ملزومات خانه در بام اعم از انبارها و اجرای بام تخت برای استفاده در تابستان، (ه) ظریف کاری: نصب بازشوها، کاهگل مالی (بام، دیوارهای داخل و خارج و کف) و در برخی موارد اندود گچ یا گچ و خاک.

همچنین معماری کردن محل سکونت روستائیان، علاوه بر خانه و محل زیست او (اعم از اتاق‌ها و ...)، شامل بخش‌های پشتیبانی و بهداشتی، محل نگهداری دام، انبارهای مرتبط با کشاورزی و دامداری، به عنوان اجزای جدانشدنی از مجموعه بخش‌های زندگی و معیشت ساکنان روستا بوده است.

اجرای کار نیز عمدتاً به این ترتیب بوده است که ابتدا نقشه ذهنی را با ریسمان‌کار روی زمین پیاده می‌کردند. سپس نقشه یکی از اتاق‌ها را در می‌آوردند. بعد در خصوص چیدن اتاق‌های دیگر تصمیم‌گیری می‌شد. کنج‌ها را نیز با گونیای چوبی در می‌آوردند. بنابراین گونیای اتاق اول اهمیت زیادی داشت. اندازه پایه‌ها و اندازه داخلی اتاق به ترتیب در نظر گرفته می‌شد. به طور مثال پایه‌های اول (بیرونی) را عموماً چهار خشت و پایه‌های وسطی را سه خشت و دهانه را حداکثر $3/5$ متر در نظر می‌گرفتند و با دقت در گونیا کردن و سپس کنترل آن، گوشه‌ها را میخ زده، ریسمان را کامل می‌کشیدند. سالن و اتاق‌ها را روی زمین پیاده می‌کردند. معمولاً عرض اتاق‌ها نیز طوری در نظر گرفته می‌شد تا یک قالی به راحتی قرار گیرد. در صورت امکان جایی اضافه‌تر برای «پشتی» هم در نظر می‌گرفتند. در مرحله بعد، محل پی‌ها و پایه‌ها را به اندازه یک پا (20 تا 30 سانتی‌متر) می‌کنند تا به خاک سفت برسند و شروع به اجرای پایه‌ها می‌کردند. زیر پایه‌ها را شفته آهک می‌کردند، در این صورت

مشترک معیشتی) در کنار فضاهای باز مناسب، توجه طراحان معاصر تنها معطوف به تهیه نقشه بخش سکونتی در قالب سرپناه و عمدتاً براساس ضوابط شهری است لذا مورفولوژی خانه‌های روستایی وجه شاخص یا هویت متمایزی ندارد که مختص روستاهای منطقه باشد و مشابه سایر زیستگاه‌های شهری و روستایی منطقه است. در این شرایط از عوامل بسیار مؤثر در شکل‌دهی بناها، توان اقتصادی ساکنان آن است.



ت 9. نمونه‌ای از بناهای امروزی در روستاهای منطقه دشت گرمسار.

تحلیل یافته‌ها

براساس مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های انجام شده «فرایند» پیشین طراحی تا ساخت مسکن روستایی در منطقه گرمسار شامل مراحل زیر است:

(الف) قبل از اجرا: ارائه درخواست کارفرما، تهیه مقدمات کار، تحویل زمین، طرح‌ریزی، پیاده‌سازی و ثبت طرح اولیه روی زمین،

(ب) آغاز مراحل اجرا: کندن محل ستون‌ها، شروع پایه چینی، تعبیه ملزومات خانه اعم از تاقچه و تاق درون و بازشوها و ...،

(ج) اجرای تاق: انواع تاق با توجه به طرح اولیه مورد نظر، تعیین و اجرای قطر پایه‌ها و اندازه دهانه‌ها،

محل پایه‌ها را تا حدود نیم متر کنده، آهک می‌ریختند و شفته می‌کردند. بعد از مشخص شدن محل پایه‌ها به کمک ریسمان‌کار و چیدن خشت خشک و کنترل کنج‌ها، رگ اول را به صورت کامل اجرا می‌کردند. سپس پایه‌ها را تا زیر تاق توسط خشت و گل می‌چیدند. پس از مدت زمانی از یک تا چند ماه که از اجرای پایه‌ها گذشت و نشست کامل صورت گرفت، اسپرها (دیوارهای دو سمت تاق) را اجرا می‌کردند. تصویر شماره 10 مراحل اجرایی نمونه‌ای از ساختمان‌های قدیم روستایی گرمسار را نشان می‌دهد.



ت 10. مراحل اجرای خانه با تاق ضربی.

نحوه پیاده کردن تاق ضربی نیز به این صورت بود که پس از انتخاب نوع تاق (که عمدتاً توسط معمار صورت می‌گرفت) مرکز قوس را پیدا کرده، با ریسمان‌کار به صورت پرگاری دور تاق را در می‌آوردند و روی اسپرها علامت می‌زدند. سپس گل زده، تاق را بدون ریسمان‌کار و به روش «چشمی» اجرا می‌کردند. نوع دیگری از تاق‌های مرسوم در معماری قدیم منطقه، تاق رومی است. برای اجرای تاق‌های رومی نیاز به ساخت قالب‌های گچی روی زمین بود. پس از ساخت قالب به صورت دو تکه، آن‌را در محل پایه‌های مورد نظر نصب کرده، رومی را اجرا می‌کردند. تاق‌های رومی و تاق و چشمه، در خانه‌های مرسوم روستایی، مورد استفاده قرار نمی‌گرفت. بیشتر در مساجد روستا، آب انبارها، انبارهای بزرگ و خانه‌های اعیانی و اربابی، از «تاق رومی» و «تاق و چشمه» استفاده می‌شد.

نتیجه

طراحی خانه‌های روستایی قدیم گرمسار، به نحوی است که قابلیت اجرا توسط معماران محلی با استفاده از مصالح و امکانات بومی و در چارچوب توان اقتصادی روستائیان را داشته باشد و به علاوه تعمیر و نگهداری ساختمان با امکانات محلی میسر باشد. این مسکن به لحاظ اقلیمی نیز در فصول مختلف سال، آسایش نسبی بهره‌بردار را تأمین می‌کنند. مدیر اجرایی، طراح و سازنده خانه روستایی معمار سنتی ماهری بود که از عهده تمام کار ساختمان بر می‌آمد و بدون حضور معمار، احداث خانه روستایی با شیوه‌های ارتقا یافته امکان‌پذیر نبود.

اما در معماری ساختمان‌های جدید روستایی منطقه

همسان با سایر سکونت‌گاه‌های شهری و روستایی، هویت زندگی در این روستاها را مخدوش کرده است.

از جمله یافته‌های این پژوهش، شناسایی نحوه ترویج یک سبک معماری در محیط روستا است. برای روستائیان، مشاهده عینی در محیط پیرامون می‌تواند به عنوان یک رسانه قوی در رواج یک اثر یا شیوه عمل، کاملاً مؤثر باشد. در فرایند قدیمی شکل‌گیری خانه‌های روستایی، روستائیان با حضور مؤثر و مشارکت فعال، در مراحل مختلف طرح‌ریزی تا اجرا، در یک فرایند منظم، تا حدود زیادی خواسته‌های معقولشان را به دست می‌آوردند و در مقابل متوجه کذب یا گاه غیر عملی بودن برخی دیگر از خواسته‌هایشان نیز می‌شدند. بنابراین می‌بایست به دور از تدوین ضوابط خاص برای استانداردسازی مسکن روستایی و با پرهیز از تیپ‌بندی نقشه‌ها و کاربرد الگوهای وارداتی در معماری ساکن روستایی، از طریق طراحی و ساخت خانه‌هایی براساس نیازهای ساکنان و با تأمین شرایط مطلوب محیطی در آن، نمونه‌های مناسب مسکن روستایی را ایجاد کرد و توسط خود اهالی رواج داد. به این ترتیب نوعی از مشارکت مردمی نیز در معماری روستا تحقق یافته است.

در سال‌های اخیر عوامل متعددی سبب شده‌اند که نقش مردم و ساکنان روستا در طراحی و احداث خانه‌های روستایی منطقه گرمسار تغییر کرده و کاهش یابد. یکی از عوامل مؤثر در این زمینه مداخله بخش دولتی و جایگزین شدن آن با نقش‌هایی است که پیش‌تر (در فرایند معماری سنتی روستا) از طریق مشارکت مردمی فراهم می‌شد. مواردی از قبیل اعطای وام و تسهیلات، معرفی طراحان، ارائه الگوهای ساخت و ساز، منابع تأمین مصالح و... از جمله نقش‌هایی

گرمسار، به لحاظ مدل برنامه‌ریزی اقتصادی احداث مسکن، تکنیک‌های معمارانه در تأمین آسایش اقلیمی، نوع مصالح مورد استفاده و به‌طور کلی در طراحی ساختمان مطابق ساختارهای اجتماعی و هویتی منطقه، نمی‌توان خصوصیات منحصر به فردی را شناسایی و تعیین کرد، به نحوی که ساخت و سازهای جدید را با گذشته منطقه پیوند دهد.

براساس یافته‌های پژوهش مشارکت مردم در شکل‌گیری خانه‌های قدیم روستایی گرمسار یک اصل انکارناپذیر است. این مشارکت در تمامی مراحل ساخت، از انعکاس ذهنیت‌ها در چارچوب طرح اجرایی تا تأمین مصالح و همکاری در عملیات بنایی وجود داشته است.

یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز معماری قدیم و جدید روستایی در این منطقه، «مخاطب ارجاع کار» از سوی متقاضی احداث مسکن است. در زمان گذشته مرجع طراحی و احداث ساختمان، معمار سنتی است که به خوبی با ویژگی‌های مختلف منطقه و اقلیم، نوع و سطح خواسته‌های روستائیان و سبک زندگی آن‌ها آشنایی دارد و بین آن‌ها زبانی مشترک حاکم است. لذا محصول طراحی پاسخگوی نسبتاً تام نیازهای کارفرما است. اما در دوران اخیر مالک با دریافت نقشه‌های تیپ و نه چندان هم‌ساز با ویژگی‌های بستر محل استقرار مواجه است که تناسب کافی را با نیازهای زندگی روستایی را ندارد (جدول شماره 1).

در فضای قدیم روستاهای منطقه گرمسار، خانه‌های به رنگ و جنس خاک و با سقف‌های منحنی شکل، صورت غالب در معماری منطقه را موجب شده‌اند که سرشار از صمیمیت و القا‌کننده آرامش به ساکنان آن است اما امروزه مصالح خشن و فرم‌های معماری

است که در گذشته بهره برداران در ارتباط دوسویه با طراح و معمار در آن مشارکت فعال داشتند، اما امروزه با مداخله نهادهای عمومی و دولتی نقش و جایگاه مردم در این فرایند به شدت متزلزل شده است. به علاوه تدوین ضوابط الزام آور و محدودکننده مبنی بر نظارت تام دستگاه های اجرایی تمام مراحل طراحی تا ساخت خانه های روستایی، بر کاهش نقش مردم در این فرایند مشارکتی دامن زده است.

ردیف	معیار مقایسه	در معماری روستایی قدیم	در معماری روستایی جدید
1	نحوه سفارش کار و درخواست	با مراجعه به معماران محلی و پس از دیدن نمونه کارهای ایشان	مراجعه به دهیاری و دریافت نقشه از مراجع مورد تأیید بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
2	تصویر ذهنی مردم از خانه	براساس خواسته ها و نوع نگاه ساکنان به مسکن	براساس ضوابط تیپ همسان و مشابه بناهای شهری
3	طراحی و تهیه نقشه	طی مذاکره کارفرما با معمار و براساس نیازهای زندگی روستایی منطقه و با توجه به شغل کارفرما	از طریق مراجعه به مراجع دولتی و با انتخاب محدود و در چارچوب ضوابط کنترل همسان
4	منابع مالی شروع کار	مطابق توان اقتصادی و با نیروی کار مالک یا کارفرما	با استفاده از وام های دولتی و به دنبال آن تغییر سبک زندگی روستایی با توجه به مفروض بودن مالکین
5	مشارکت مالک یا کارفرما	همکاری و مساعدت در تمامی مراحل انجام کار از طراحی، تأمین مصالح و سایر مراحل اجرایی	مشارکت محدود در امور اداری و مالی ساخت و ساز
6	فرایند و تکنیک اجرای ساختمان	براساس تکنیک های بومی مختص ناحیه محل احداث ساختمان	طی فرایندی همسان در همه روستاهای کشور
7	مصالح مورد استفاده	متناسب با مصالح بوم آورد محیط زیست منطقه	مصالح وارداتی و بدون تناسب با ویژگی های بومی
8	هویت، اصالت و تشخیص	هماهنگی کامل با ویژگی های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... ساکنان روستا	اغلب در تناقض با ساختارهای فرهنگی منطقه
9	آسایش اقلیمی	طراحی همساز با اقلیم و متناسب با جغرافیای محل استقرار و با حداقل وابستگی به منابع انرژی	متناسب با تکنولوژی های وابسته به منابع انرژی
10	تناسب مسکن با سبک زندگی	هم پیوندی فرم کالبدی بنا با نیازهای زندگی روستایی	متناسب با سبک زندگی مصرف گرا و متضاد با ماهیت زندگی مبتنی بر تولید در روستاها
11	اجزای تشکیل دهنده خانه	شامل انبار، بهارخواب، تراس، حیاط، فضای سبز، و باز متصل به اراضی باغی، محل نگهداری دام و ...	ساختمانی محدود به سکونت در غالب «سرپناه» و البته مجهز به پارکینگ برای خودروها!

ج 1. تطبیق شاخص های متناظر در معماری روستایی قدیم و جدید منطقه دشت گرمسار.

3. خانه‌هایی که در این پژوهش مورد نظر قرار گرفته است، گونه‌های رایج و مربوط به عموم روستائیان می‌باشد و شامل خانه‌های اربابی و اعیانی نیست.

فهرست منابع

- چمبرز، رابرت. (1387). توسعه روستایی، اولویت بخشی به فقرای روستایی. ترجمه: مصطفی ازکیا، انتشارات دانشگاه تهران.
- حجت، عیسی. (1382). آموزش معماری و بی‌ارزشی ارزش‌ها. نشریه هنرهای زیبا، شماره 14، صص 63-70.
- حجت، عیسی. (1385). تأثیر اصلاحات ارضی بر شکل روستاهای ایران، مقاله منتشر شده در نشریه هنرهای زیبا، شماره 26، صص 75-84.
- زرگر، اکبر؛ حاتمی خانقاهی، توحید. (1393). وجوه مؤثر بر طراحی مسکن روستایی. مسکن و محیط روستا، شماره 148، صص 45-63.
- سرتیپی‌پور، محسن. (1384). شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران. نشریه هنرهای زیبا، شماره 22، صص 52-43. تهران.
- سرتیپی‌پور، محسن. (1388). آسیب‌شناسی معماری روستایی (به سوی سکونتگاه مطلوب)، انتشارات شهیدی، چاپ نخست، تهران.
- شولتز، کریستیان نوربری. (1387). مفهوم سکونت؛ (به سوی معماری تمثیلی) ترجمه محمود امیریاراحمدی، نشر آگاه، تهران.
- عبد مجیری، امین. (1389). طرح تحقیقاتی گونه‌شناسی مسکن روستایی استان سمنان. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان سمنان.
- علی‌الحسابی، مهران؛ راهب، غزال. (1387). برپایی خانه روستایی فرایندی از ذهنیت تا عینیت. مقاله منتشر شده در فصلنامه تخصصی شهرسازی و معماری آبادی، شماره 24، صص 68-74.
- فتحی، حسن. (1372). «ساختمان‌سازی با مردم». ترجمه علی اشرفی، دانشگاه هنر معاونت پژوهشی، تهران.

کاهش مشارکت ساکنان روستا و حذف تدریجی رویه‌های مردم‌محور در ساخت و سازهای روستایی، سبب شده است که ظرفیت‌های معماری گذشته و هویت روستایی به فراموشی سپرده شود. این تحولات حذف معماران سنتی را به همراه داشته، زمینه‌های توسعه و ورود تکنولوژی به روند معماری سنتی را ناقص گذاشته است و موجب شده تا فرایند توسعه و رشد روش‌های معماری بومی گرمسار دچار انقطاع تاریخی شود.

به‌طور کلی معماری روستایی منطقه گرمسار در گذشته واجد شاخص‌ها و معیارهای ارزنده‌ای است که می‌تواند پس از شناسایی و دسته‌بندی از طریق مطالعات میدانی، چنانچه در این مقاله تا حدودی به آن‌ها پرداخته شد، در ساخت و سازهای جدید مورد استفاده قرار گیرد. به این ترتیب نه تنها ارتباط بین نسل‌ها در بستر اجتماعی روستا تداوم خواهد یافت، بلکه هویت کالبد فضایی آن نیز در انطباق با نیازهای ساکنین روستا، بازسازی و احیا خواهد شد.

پی‌نوشت

1. اغلب معماران در زمان مصاحبه عنوان کردند که بیش از چهل سال می‌گذرد که با آن شیوه و امکانات، در روستاها برای مردم خانه می‌ساختیم؛ اما تا امروز کسی از ما بابت کارهایمان سراغی نگرفته است. خیلی چیزها در سینه ما می‌ماند و ما می‌رویم. این مطالب تا حدودی نشان‌دهنده غریب و مهجور ماندن موضوع معماری بومی در روستاهای منطقه گرمسار است.
2. از طریق گفت‌وگو، مسافرت، پرسش، گوش دادن، مشاهده کردن و کار با روستائیان است که می‌توان از آن‌ها به‌طور مؤثر مطلب آموخت. برای ایجاد پیوند میان دانش و مهارت‌های مردم روستایی، در اولین گام می‌باید با روستائیان هم‌نشین شده و به سخنان آن‌ها گوش دهند و از آن‌ها بیاموزند (چمبرز، 1387: 131).

- قاسمی اردهایی، علی؛ رستمعلی زاده، ولی الله. (1391)، «اثرات وام روستایی در تغییرات زندگی روستائی» مقاله، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره 139، صص 57-70.
- گرکانی، امیرحسین. (1392)، ملاحظات بر طراحی خانه روستایی در بازسازی پس از سانحه. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- لاوسون، برایان. (1384)، طراحان چگونه می اندیشند، ابهام زدایی از فرایند طراحی. ترجمه حمید ندیمی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- محمدپور، احمد. (1389)، ضد روش: منطق و طرح در روش شناسی کیفی (جلد 1)، انتشارات جامعه شناسان، تهران.
- یوسف زمانی، مهرداد. (1389)، بررسی و بازتعریف جایگاه مشارکت بهره بردار در فرایند طراحی مسکن. پایان نامه دکترای معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- Alexander, Christopher (1977), A Pattern Language: Towns, Buildings, Construction, Oxford University Press.
- Garrido, F., Mauleon, J.R., Moyano, E. (2002), Rural restructuring and the effects of rural development policies in Spain. In: Halfacree, K., Kovach, I., Woodward, R. (Eds.), Leadership and Local Power in European Rural Development, Aldershot .
- Helena, C.(1998), "Bioclimatism in vernacular architecture", Renewable and Sustainable Energy Reviews, Issue 2.
- Hoggart, K., Paniagua, A.(2001), What rural restructuring? Journal of Rural Studies, 17.
- Lewis, G.J., McDermott, P, Sherwood, K.B. (1991), The counter-urbanization process: demographic restructuring and policy response in rural England. Sociologia Ruralis, 31.